

هویت شیعی ایرانیان؛ هویت پایداری^۱

* کاوه امیرخانی

E-mail: awa_1342@yahoo.com

** غلامرضا فتح‌علیان

E-mail: Reza_f@hotmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۵

چکیده

موضوع هویت و بحران‌های مرتبط با آن، در مقاطع مختلف تاریخ ایران مطرح بوده است. به نظر برخی محققان هر گاه سخن از هویت ایرانی به میان می‌آید، نوعی دوگانگی و تقابل میان هویت دینی و ملی ایرانیان مشاهده می‌شود، که ریشه در وقایع تاریخی ندارد. این مقاله با هدف بررسی چگونگی پذیرش اسلام توسط ایرانیان و تأثیر آن بر هویت مذهبی و زبانی به‌عنوان اجزاء هویت ملی ایرانیان نوشته شده است. سؤال تحقیق آن است که: تغییرات عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانیان (به‌خصوص دین) در دهه‌های نخست هجری در چارچوب هویت پایداری چگونه تعریف می‌شود؟ مدل نظری تحقیق، تلفیقی از به‌کارگیری مفاهیم نظریه ساخت‌یابی گیدنز، نظریه هویت مقاومت کاستلز و نظریه جامعه‌شناسی تاریخی، در بررسی رفتارهای هویت‌جویانه جنبش‌های اجتماعی ایرانیان در دو قرن نخست هجری است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که تغییرات هویتی ایرانیان متأثر از پذیرش خوانش برحق اهل بیت علیهم‌السلام از اسلام بوده، و نه از سر تهديد، تحمیل و اجبار ناشی از شکست دولت ساسانی و ایرانیان، از اعرابی که پس از رحلت پیامبر(ص) عزم رجعت به اصالت‌های پیشین دارد؛ و طی فرایندی طولانی و در پی انتخابی سرنوشت‌ساز و بنیادین از سوی ایرانیان و در مخالفت و پایداری در برابر سلطه و تحمیلات حاکمان عرب ایران به انجام رسیده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که انتخاب هویت شیعی و زبان فارسی جدید از سوی ایرانیان علاوه بر حقانیت شیعه، حاصل انتخاب هوشمندانه و اصیل جامعه ایرانی آن روز بوده است.

کلید واژه‌ها: هویت شیعی، هویت پایداری، ایرانیان، دهه‌های نخست هجری، اسلام.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «بررسی هویت مقاومت ایرانیان در دو سده نخست هجری» از دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب در سال ۱۳۹۳ می‌باشد.

* استادیار علوم سیاسی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور تهران غرب، نویسنده مسئول

** کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه پیام‌نور تهران غرب

مقدمه

بررسی تغییرات هویتی ایرانیان با استفاده از مفاهیم تئوری هویت مقاومت کاستلز و با استفاده از تفسیر کنش کارگزارانی که در پی ایجاد هویت مطلوب خود هستند، و این امر را از طریق فرایند ساخت یابی و مفاهیم تئوری ساخت یابی گیدنز، با کنش هدفمند، و به قصد تغییر ساخت و مشارکت در ساخت اجتماعی، انجام می دهند، و نیز توجه به تاریخی بودن هویت اجتماعی ایرانیان با در نظر گرفتن رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی ایرانیان، امکان تفسیر فرایند تعاملی مبارزه و پایداری ایرانیان در برابر حاکمان به خصوص در دوره امویان و عباسیان را از زاویه‌ای دیگر فراهم می‌آورد.

موقعیت ایرانیان در مواجهه با ورود اسلام به ایران، و آشنایی و شناخت آنان با مفاهیم بلند آسمانی، انسانی، اخلاقی، برادری، برابری و عدالت خواهی این دین از یک سو و از سوی دیگر رویگردانی و ناراحتی آنان از دولت ساسانی و دین زرتشت و سخت گیری‌ها و تحمیلات دین درباری شده و تحریف یافته و منحط موبدان حاصل شده بود، گروهی از ایرانیان را به پذیرش اسلام ترغیب کرد. اسلام علوی که توسط صحابی خاص رسول الله (ص) به ایرانیان عرضه می شد، و با روح و جان ایرانیان هم‌نوا بود. خداجویی، حقیقت طلبی، عدالت خواهی، برابری جویی، تعالی خواهی و روح اخوت و انسانی، که فلسفه زندگی ایرانیان از دوران باستان بود، در کلام بر حق امامان شیعه (۱) و پیروان و هواداران آنان بازتاب می‌یافت.

سلطه حاکمان اموی با برتری جویی قومی و نژادی و تحقیر، توهین و آزار ایرانیان و پست شمردن آنان و شهروند درجه دو تلقی کردن آنان حتی در انجام اعمال عبادی مسلمین، مانند نماز و سایر عبادات، همراه بود. و پاسخ ایرانیان، پایداری و نپذیرفتن برتری کنش نژادپرستانه اعراب و تحمیلات عقیدتی آنان بود. این رفتار در تئوری هویتی کاستلز به شکل پایداری در برابر سلطه حاکم که تحقیر کننده است، بیان شده، و کنش هدفمندانه، ایرانیان برای حفظ هویت ایرانی براساس تئوری ساخت یابی گیدنز موجب کسب موقعیت در ساخت قدرت حاکم شد و به هویت شیعی ایرانیان شکل داد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

«من کیستم؟» سؤالی است که نه تنها بزرگترین فیلسوفان در تمام جهان و تمام ادوار و همه ادیان و مکاتب و فرهنگ‌ها به دنبال پاسخ دادن به آن بوده و هستند؛ بلکه همه اینها آدمی به فراخور وسع و درک خود مستمراً در پی پاسخ آن هستند. سقراط به همگان

توصیه می‌کرد که خودت را بشناس، و این جمله معروف او بر سر در معبد دلفی نقش بست. در احادیث روایت شده از پیامبر(ص) و اسلام و ائمه اطهار(ع) نیز این تأکید را می‌توان به وفور یافت. از جمله این حدیث مشهور در خودشناسی که می‌فرمایند: «من عرفه نفسه، فقد عرفه ربه»، یعنی هر که خود را شناخت، خدای خود را شناخته است. این تأکیدها همه در اهمیت موضوع هویت بیان شده است. هویت یک مفهوم چند وجهی است، و مورد توجه طیف بسیار وسیعی از مخاطبان قرار دارد، از عموم مردم که از هویت فردی خود می‌پرسند، تا دانشمندان، محققان و سیاستمداران، که به معنای هویت و انواع هویت‌های اجتماعی، سیاسی و ملی توجه دارند. مانوئل کاستلز معتقد است: «هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است» (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۲).

موضوع هویت و بحران‌های مرتبط با آن در مقاطع مختلف تاریخ ایران مطرح بوده است. پس از انقلاب اسلامی هویت ملی ایرانیان تا حدودی تحت الشعاع برجسته شدن هویت دینی و اسلامی مردم ایران قرار گرفت؛ تا آنجا که گروهی، «از یک چشم‌انداز سیاسی و با دیدی مبتنی بر نظریه توطئه به نفی ملیت و هویت ملی ایران و میراث فرهنگی و گاه دینی آن می‌پرداختند، و تمام این میراث را جعلی و ساخته و پرداخته نیروهای خارجی می‌دانستند» (احمدی، ۱۳۹۰: ۵). از سوی دیگر گروهی از نویسندگان و نظریه‌پردازان و سیاستمداران در رابطه با هویت باستانی ایرانیان راه افراط پیموده و منکر عنصر اسلامی و شیعی در هویت دینی ایرانیان هستند. «آنچه در سیاست‌های رضاشاه دیده می‌شود، نفی ویژگی اسلامی، تلاش برای از بین بردن آثار و عوارض هویت عنصر اسلامی در هویت ملی و برجسته‌سازی عنصر ایرانییت و شرایط گذشتگان و نیاکان، و ندیدن این الزام بسیار سنگین در یکپارچه دیدن این عناصر است» (کولایی، ۱۳۸۳: ۵۹). وجود این ادبیات تندرو در هر دو سو به علاوه تلاش‌های جهان سرمایه داری برای تعریف مورد نظر و مطابق با اهداف خودش از هویت، در ادبیات جهانی سازی، موجب بروز سر در گمی و چالش‌های جدی در فهم هویت ملی و هویت دینی به‌عنوان یکی از اجزای هویت ملی، برای ایرانیان به‌خصوص جوانان و نوجوانان شده است.

بنابراین شایسته به نظر رسید تا از زاویه‌ای دیگر به هویت ملی و هویت دینی ایرانیان پرداخته شود، تا نکات اشتراک هویت دینی، اسلامی - شیعی ایرانیان را روشن‌تر ساخته و همگرایی و همبستگی هویت تاریخی و دینی ایرانیان را، به خصوص در نقطه عطف و مقطع حساس حمله اعراب به ایران، ورود اسلام و چگونگی پذیرش آن از سوی ایرانیان و تأثیر آن بر هویت دینی و زبانی به‌عنوان اجزاء هویت ملی ایرانیان بشناسیم.

این تحقیق در پی یافتن پاسخ این سؤال است که: تغییرات هویتی ایرانیان (دینی و زبانی) در دهه‌های اولیه ورود اسلام به ایران در چارچوب هویت‌پایداری چگونه تعریف می‌شود؟ و فرضیه تحقیق بر آن است که: هویت‌پایداری شکل‌دهنده فرایند هویت دینی ایرانیان در دهه‌های نخست هجری است.

مبانی نظری تحقیق

رهیافت جامعه‌شناسی - تاریخی: در رویکرد جامعه‌شناسی تاریخی درحالی‌که بر ویژگی‌های یک دوره خاص تاریخی تمرکز و تأکید می‌شود، بر تعمیم‌پذیری این یافته‌ها نیز تأکید می‌کنند. نسل جدیدی از جامعه‌شناسان تاریخی در اروپا و آمریکا در قرن بیستم «بر لزوم کاربست تحلیل تاریخی، توجه به ویژگی‌های زمانی و مکانی و نقش کارگزار انسانی تأکید داشته‌اند. از جمله بارینگتون مور، چارلز تیلی، تدا اسکاچپول و آنتونی گیدنز» (احمدی، ۱۳۹۰: ۲۸).

«رهیافت جامعه‌شناسی تاریخی، هویت ملی ایرانی را پدیده‌ای طبیعی و ازلی نمی‌داند، بلکه آن را بر ساخته اجتماعی و سیاسی در نظر می‌گیرد که در بستر اجتماعی ایران و براساس نیازهای روزمره فرهنگی و سیاسی و امنیتی مردمان ایران، قرن‌ها پیش به صورت هویت ایرانی پیشامدرن پیدا شد، و به مرور زمان در عین حفظ بنیادهای اصلی خود، شکل تازه‌ای گرفت و به صورت گفتمان ملی امروزی درآمد» (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۰۳).

نظریه هویت مقاومت مانوئل کاستلز: مانوئل کاستلز دارای نگرش خاصی در مورد هویت است، که با منظور و مراد این تحقیق همراه است. یکی از مهم‌ترین مضامین رویکرد کاستلز در نظریه هویتی‌اش، نقش برجسته‌ای است که برای کارگزار انسانی یا کنشگران اجتماعی قائل است. «برداشت من از اصطلاح هویت، در صورتی که سخن از کنشگران اجتماعی باشد، عبارت است از فرایند معناسازی براساس یک ویژگی فرهنگی که بر منابع معنایی دیگر اولویت داده می‌شود. هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است. من معنا را به منزله یکی شدن نمادین کنشگر اجتماعی با مقصود و هدف کنش وی تعریف می‌کنم» (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۲).

هویت‌پایداری: «این هویت به دست کنشگرانی ایجاد می‌شود که در اوضاع و احوال یا شرایطی قرار دارند که از طرف منطبق سلطه، بی‌ارزش دانسته می‌شود و یا داغ‌نگ بر آنها زده می‌شود. از همین روی همان‌طور که کالهن در توضیح خود درباره ظهور خط مش‌های هویتی مطرح ساخته است سنگرهایی برای مقاومت و بقا بر مبنای

اصول متفاوت یا متضاد با اصول مورد حمایت نهادهای جامعه ساخته می‌شود (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۳). «هویت مقاومت شکل‌هایی از پایداری جمعی را در برابر ظلم و ستم ایجاد می‌کند که در غیر این صورت تحمل‌ناپذیر بودند، و معمولاً بر مبنای هویت‌هایی ساخته می‌شود که آشکارا به وسیله تاریخ، جغرافیا یا زیست‌شناسی تعریف شده‌اند و تبدیل مرزهای مقاومت را به جنبه‌های اساسی و ذاتی آسان‌تر می‌کند» (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۳). این تعاریف از شکل‌گیری هویت، امکانی را پیش‌روی قرار می‌دهد تا چگونگی تعامل مردم ایران با رفتارهای ظالمانه و تحمل‌ناپذیر حکومت‌های امویان و عباسیان در دو قرن نخست هجری، و پایداری در برابر تحقیر و حذف، و تعریف تازه و متفاوت و مغایر با تعریف حاکمان از دین اسلام و چگونگی شکل‌گیری هویت دینی شیعی ایرانیان در مقطع زمانی مورد بررسی قرار گیرد.

نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز: گیدنز معتقد است که: «عمل انسان است که جامعه را می‌سازد و باز می‌سازد، او منکر هر نوع تبیین ساختاری و تصویری است که جامعه را دارای موجودیتی علاوه بر افراد بدانند» (کریب، ۱۳۹۰: ۱۳۶). گیدنز در طراحی نظریه جدیدش ضمن نقد و یا رد اصول مطرح در جامعه‌شناسی پیشین، به طرح اصول و ویژگی‌های جدید پرداخته و تئوری اجتماعی‌اش را براساس آنها استوار کرده است:

۱- اصل عمده و اساسی در تئوری اجتماعی، اعمال یا کنش‌های اجتماعی است. همه عناصر و اجزای جامعه باید در چارچوب کنش اجتماعی مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرند.

۲- تولید و بازسازی کارگزاران و ساخت‌ها دو مجموعه جدا و متمایز نیستند، بلکه یک امر واحد ولی دارای دو بعد هستند.

۳- ساخت با وجود این‌که عنصر اساسی کنش اجتماعی است ولی برای افراد، خارجی است.

۴- سیستم‌های اجتماعی با توجه به دو عنصر زمان و مکان وسیله و نتیجه عمل هستند. نظریه ساخت‌یابی گیدنز ابزار مناسبی را جهت بررسی جنبش‌های اجتماعی هویت‌جویانه ایرانیان و بررسی رفتار جامعه ایرانی در مواجهه با سلطه حاکمان عرب و تفکر برتری‌جویانه نژادی آنان، و تحقیر، ستم، و نادیده گرفتن فرهنگ و شخصیت ایرانیان مغلوب، و موالی شمردن آنها است. می‌توان مشاهده کرد که ایرانیان به‌عنوان کنشگرانی که نیت و انگیزه لازم را برای حفظ فرهنگ خود و نیز قبول عناصر جدید فرهنگ اسلام را داشتند، به تعامل با ساخت تحمیلی سلطه عرب پرداخته، و ضمن کنش آگاهانه، در فرایند ساخت‌یابی مشارکت کرده و از طریق انگیزه‌های برابری‌جویانه

و عدالت‌خواهانه، متناسب با فرهنگ ایرانی، به ساخت جدیدی که دین اسلام شیعی و زبان فارسی جدید با خط و نگارش عربی و گویش ایرانی، از اجزاء آن بود، دست یافتند.

روش اجرای تحقیق و تجزیه و تحلیل اطلاعات

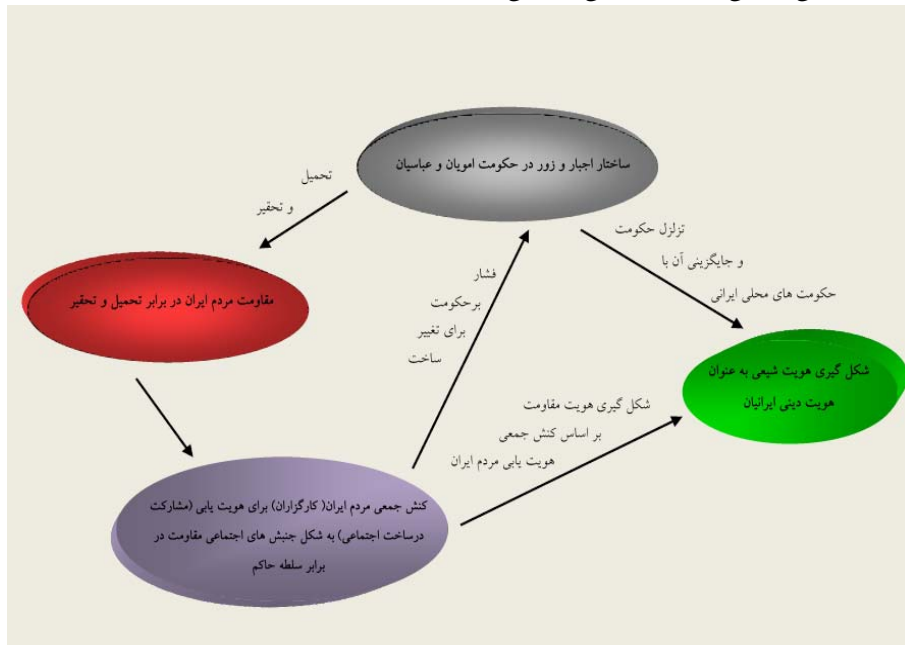
این تحقیق از نوع تحقیق کیفی است. ابتدا به تعاریف رایج از هویت پرداخته شده و سپس تعریف مورد استفاده در این تحقیق مشخص شده است. سپس ضمن مرور طبقه‌بندی‌های رایج به چارچوب مورد نظر این پژوهش یعنی تعریف کاستلز، کالهن از هویت و هویت پایداری پرداخته می‌شود. در ادامه ضمن تشریح ایده این پژوهش در تعریف هویت با توجه به تعاریف کاستلز از هویت پایداری و آزمون تطبیق‌پذیری آن با برش تاریخی مورد نظر، در جهت بیان هویت مردمان ایران زمین در مقطع تاریخی مورد نظر، همبستگی هویت‌های دینی و تاریخی ایرانیان بررسی می‌شود.

روش به کار گرفته شده برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق روش توصیفی - تحلیلی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌های حاصل از مطالعه منابع مورد بررسی، و استفاده از این یافته‌ها در رد و یا اثبات فرضیات و پاسخ به سؤالات تحقیق، از یک چارچوب نظری بهره برده شد تا بتواند ضمن توضیح تاریخی بودن هویت ایرانیان، نقش مهم مؤثر، کنشگرانه و کارگزارانه آنان را در تغییر اجزاء هویتی ایشان پس از ورود اسلام به ایران، از جمله عناصر دین و زبان در هویت ایرانی و ساخت اجتماعی سیاسی بازه زمانی تحقیق را نشان دهد.

مدل نظری این تحقیق

مدل نظری تلفیقی تحقیق از به کارگیری مفاهیم نظریه ساخت‌یابی گیدنز، به‌خصوص کنش، کنشگر، و ساخت و رابطه آنها در فرایند ساخت‌یابی، و نیز به کارگیری این مفاهیم در نظریه هویت مقاومت کاستلز، در بررسی رفتارهای هویت‌جویانه جنبش‌های اجتماعی ایرانیان در دوران مزبور، با توجه به نظریه هویت تاریخی است. با استفاده از این مدل تلفیقی، فرایند تغییرات هویتی ایرانیان در دو قرن نخست هجری و چگونگی هویت ایرانی اسلامی شیعی ایرانیان و جنبش‌های پایداری ایرانیان در برابر اعراب مطالعه خواهد شد. فرایندی که مبتنی بر مشارکت کنشگران ایرانی دارای انگیزه، نیت، و هدف در ساخت اجتماعی است، و به منظور بازیابی هویت ایرانی انجام می‌گیرد، و طی فرایند ساخت‌یابی به هویت جدید دینی و زبانی ایرانیان منتهی می‌شود. موضوعاتی که در این تحقیق، با استفاده از مدل نظری تلفیقی مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارتند از:

- ۱- ساختار حاکم بر ایران در حکومت ساسانی با تأکید بر عناصر هویتی مانند دین و زبان ایرانیان.
- ۲- ساختار حکومت‌های اعراب بر ایران (حکومت امویان و عباسیان)، و ایدئولوژی آنان در برتری جویی نژادی، و تحقیر ایرانیان و تحمیل برداشت خاص از اسلام.
- ۳- رفتار مردم ایران به‌عنوان کنشگران اجتماعی، کنش‌های جمعی در جنبش‌های اجتماعی ضد اعراب مانند شعوبیه، بومسلمیه و غیره. پایداری در برابر تحمیل دین و معیارهای حکومت‌گران و باژگون کردن تعاریف تحمیلی آنان، و استفاده از این مفاهیم برای ساخت هویتی تازه.
- ۴- شکل‌گیری هویت پایداری، برای کسب هویت ایرانی اسلامی، از طریق پایداری در برابر منطق سلطه اعراب حاکم، که منتهی به هویت ایرانی شیعی با زبان فارسی جدید شد. شکل‌گیری ساختار جدید اجتماعی و به تبع آن هویتی (اسلام شیعی) از طریق کنش اجتماعی و شکل‌دهی به ساخت توسط کارگزار، طی فرایند ساخت‌یابی، و از طریق فشار بر ساخت حاکم، و پایداری در برابر تعاریف هویتی حاکم و باژگون کردن تعاریف حاکم و ساخت سازه‌های اجتماعی جدید (ساخت تعاریف جدید، هویت دینی شیعی، هویت زبانی فارسی جدید).



یافته‌های تحقیق

یافته‌های مربوط به هویت پایداری در شکل دادن فرایند هویت دینی ایرانیان در دهه‌های نخست هجری.

فرضیه تحقیق

هویت پایداری شکل‌دهنده فرایند هویت دینی ایرانیان در دو سده نخست هجری است.

کارگزاری ایرانیان در بر ساختن هویت شیعی

نقش فرد و برداشت‌ها و کنش‌های او در ارتباط با اجتماع و دیگران در ساخت و شکل گرفتن هویت بسیار با اهمیت است. تأکید این تحقیق بر نقش کارگزاران (در اینجا مردم ایران زمین در قرن اول و دوم هجری) در تغییرات ساختی و هویتی به‌وجود آمده در این دوره است. کارگزار ضمن کنش هدفمند در فرایند ساخت‌یابی به شکل دادن به هویت خودش و نیز ساخت شرکت می‌کند؛ هم ساخت را می‌سازد و هم هویت خود را در این فرایند بازیابی می‌کند (آزادارمکی، ۱۳۹۲: ۲۸۴). این تأکید بر نقش کارگزار و کنش او در شکل‌گیری هویت خویشتن و نیز مشارکت او در عمل ساخت‌یابی و شرکت در ساخت حکومت، می‌تواند تفسیرکننده اهمیت حرکت اجتماعی هدفمند ایرانیان را در بازسازی هویتی خویش، پس از حمله اعراب به ایران و چگونگی شکل‌گیری هویت شیعی ایرانیان باشد.

مدل نظری تلفیقی تحقیق و شکل‌گیری هویت شیعی ایرانیان

مدل نظری تلفیقی تحقیق، که از مفاهیم سه رهیافت و نظریه بهره برده است، تلاش می‌کند تا شکل‌گیری هویت شیعی بخشی از ایرانیان را در دوره زمانی مورد نظر تحقیق، یعنی دو قرن نخست هجری توضیح دهد. برای تفسیر تغییرات هویتی ایرانیان، به‌کارگیری نظریه و یا نظریه‌هایی که بتوانند چگونگی شکل‌گیری و یا تغییرات هویتی ایرانیان را در برابر و یا در تعامل با شرایط و ساخت اجتماعی و حاکمیتی دوره زمانی مورد نظر توضیح دهند، و بر عناصر زمان و مکان تأکید داشته باشند، ضروری به نظر می‌رسد. رهیافت نظری حمید احمدی (احمدی، ۱۳۹۰: ۴۲۸) که بیانگر شکل‌گیری و ساخت هویت ایرانیان در طول تاریخ طولانی کشور ایران است، نظریه‌ای است که تاریخی بودن هویت ایرانیان و تغییرات آن را در طول تاریخ توجیه می‌کند؛ ولی به

تنهایی نشان دهنده چگونگی این تغییرات از طریق کنش‌های هدفمند و آگاهانه ایرانیان در ایجاد این تغییرات نیست؛ پس برای توضیح چگونگی و نیز چرایی این تغییرات در ساخت اجتماعی آن دوره زمانی به نظریاتی که به کنش‌کنشگران و اهمیت این کنش در تغییر ساخت اجتماعی اهمیت می‌دهند نیازمند است. نظریه ساخت‌یابی آتوننی گیدنز به خوبی شرایط ساختی و کنش کارگزاران ایرانی در بازه زمانی تحقیق منطبق می‌شود، و توضیح دهنده چگونگی فرایند کارگزاری ایرانیان در ساخت اجتماعی و حکومتی است که به شکل‌گیری هویت ایرانی شیعی بخشی از مردم ایران منتهی شده است. اما برای بیان دقیق‌تر چگونگی کنش کارگزار ایرانی در شکل دادن به هویت شیعی از تئوری سومی کمک گرفته شده است که جزئیات برخورد و فرایند کنش نیت‌مند کارگزار را در برابر حاکمیت و چگونگی تأثیر سلطه آنان بر شکل‌گیری فرایندهای هویتی را توضیح می‌دهد، و مفاهیم به کار گرفته شده در این نظریه بخصوص مفاهیم سلطه، تحقیر، حذف، باژگونی، هویت پایداری (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۶) و سایر مفاهیم، برای توضیح شرایط و فرایند تغییرات هویتی ایرانیان در دو قرن نخست هجری و در مواجهه با حاکمیت سلطه و تحقیر اعراب و پایداری ایرانیان در برابر این ظلم و ستم بسیار مناسب به نظر می‌رسد، و توضیح دهنده کنش هدفدار و در جست‌وجوی معنا برای شکل دادن به هویت است.

مدل نظری تلفیقی تحقیق و شکل‌گیری هویت شیعی ایرانیان: دوره امویان

امویان از سال ۴۱ تا سال ۱۳۲ هجری بر ایرانیان حکومت کردند و با جنبش ابومسلم در همراهی با مبارزات عباسیان بر ضد بنی‌امیه، سرنگون شدند (مفتخری، ۱۳۹۰: ۷۳). حکومتی که با سلطه نژادی، برتر دانستن اعراب، تحقیر ایرانیان و موالی خواندن آنان و شهروند درجه دو دانستن آنان همراه بود. اعراب حاکم اموی، رفتار تحقیرآمیز با مردم ایران را در پیش گرفتند، و به تحمیل برداشت‌ها و خوانش خود از اسلام و نادیده انگاشتن هویت ایرانیان پرداختند (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۷۷: ۵۰)، اما این پایداری و هویت فرهنگی ایرانیان بود که در ترکیب و جذب عناصر اسلام راستین و برحق خاندان رسول خدا(ص)، تحت عنوان جنبش‌های شیعی و ایرانی به مخالفت با حاکمان عربی و فشار بر آنها برخاست و تحقیر آنها را نپذیرفت (مستعان، ۱۳۸۵: ۱۵۵). اولین توضیحی که می‌توان از به کارگیری نظریه تلفیقی تحقیق مستفاد کرد، بیان وجود و اهمیت تاریخی هویت ایرانیان است (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۰۳)، که در پاسخ به سؤالاتی است که هویت

ایرانیان را موضوعی مدرن و یا حتی واهی و خیالی می‌پندارند. تعدادی از جنبش‌هایی که ایرانیان بر ضد امویان بنا داشتند، داعیه ایرانی (۲) بودن و احیای هویت ایرانی داشتند، و حضور دو عنصر تاریخ و قلمرو جغرافیایی که از عناصر هویت سازند در آن مشهود است، حتی عناصر دین و زبان با این که تاحدودی به سمت تغییر رفته‌اند و به هویت ایرانی شیعی و زبان فارسی جدید نزدیک شده‌اند، در تلفیق با عناصر تاریخی هویت ایرانیان، بازتابنده هویت ایرانی‌اند. موضوع دیگری که از نظریه تلفیقی تحقیق قابل برداشت است، اهمیت نقش کارگزاری ایرانیان به‌عنوان کنشگرانی فعال و هدفمند است که هدف مشخص از شرکت در جنبش‌های ضد امویان دارند و در پی کسب سهمی در ساخت حاکمیت از طریق کنش‌ها و جنبش‌های اجتماعی‌اند که بازتابی از وضعیت ناگوار و نظام سلطه و تبعیض امویان است (ممتحن، ۱۳۸۵: ۱۴۵). پس ایرانیان در این جنبش‌ها در نقش کنشگرانی که در پی تغییر ساخت حاکم هستند، به پیدا کردن هویت خویش و شکل دادن به ساخت اجتماع به‌صورت توامان و در جریان عمل ساخت‌یابی مشغول هستند. و نیز می‌توان این کنش‌ها و جنبش‌های ضد اموی ایرانیان را، با استفاده از مفاهیم نظریه تلفیقی تحقیق در جست‌وجوی معنایی برای هویت تلقی کرد، که از مبارزه با سلطه و رد مفاهیم تحمیلی و خوانش بنی‌امیه و عوامل سلطه از اسلام، و بازگون کردن این مفاهیم و ساختن و به کارگیری مفهوم شیعه ایرانی، که هویت دینی ارتقا یافته ایرانیان محسوب می‌شود، بشمار آورد. هویتی شیعی که بدین طریق حاصل شده، مرزهای تازه‌ای را با حاکمان تعریف می‌کند و موجب تمایزاتی می‌شود که هویت هستند، و به حذف‌کنندگان به دست حذف‌شوندگان منتج می‌شود.

اتفاقی که در سال ۱۳۲ هجری صورت واقعیت می‌یابد و ایرانیان با قیام ابومسلم و همراهی عباسیان خاندان بنی‌امیه را از قدرت ساقط می‌کنند (۳) (اشپولر، ج ۱، ۱۳۸۶: ۷۳). برخوردهای خشن و ظالمانه امویان با ایرانیان به رویگردانی ایرانیان از امویان و مبارزه با آنها و فرهنگ تحمیلی و خوانش اموی از اسلام منتهی شد. رفتار ایرانیان را در چارچوب نظری تحقیق، می‌توان پایداری‌ای تلقی کرد که در جهت حفظ هویت ایرانی و نیز کنشی هدفمند در پی ایجاد نقش و جایگاه در خور شأن ایرانی در ساخت حکومت است. برای تحقق این موضوع گروهی از ایرانیان خوانشی از اسلام را که توسط اصحاب رسول خدا (ص) و خاندان امامت (ع) ترویج می‌شود، با روحیات، فرهنگ و مقاصد خود نزدیک و همراه می‌یابند و به‌عنوان کنشگرانی که کارزار فعال و هدفدار در جهت هویت‌یابی و شرکت در فرایند ساخت هستند، مفهوم شیعی اسلام را

می‌پذیرند، مفهومی که از بازگونه کردن تعاریف تحمیلی سلطه به دست می‌آید، و تمایز ایجاد می‌کند. تمایزی که در برابر تعاریف حکومت به آنها هویتی تازه می‌بخشد، هویت شیعی فرایندی را طی می‌کند که همان فرایند تشکیل هویت از طریق پایداری و مبارزه با تحمیلات حاکم سلطه‌گراست، و هویتی را ایجاد می‌کند که به تعبیر کاستلز هویت پایداری است (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۴). در این فرایند عناصر نظریه تلفیقی تحقیق آشکارا فرایند شکل‌گیری هویت شیعی ایرانیان را نشان می‌دهد.

حکومت امویان که قادر به ادامه تحمیل نظریات خود نبودند، به تدریج مغلوب آرمان جنبش‌هایی می‌شوند که از پی‌کنش هدفمند ایرانیان در پی هویت‌یابی از طریق پایداری در برابر تحقیر سلطه و تحمیل امویان، و در جریان ساخت‌یابی حاصل می‌شود. از دل این کنش‌ها جنبش‌هایی پدید می‌آید که آگاهانه است و منظور آنها ایجاد یک ایده‌بازاندیشانه از دین حکومتی و یک ساخت اجتماعی جدید است. و این یعنی ایجاد عناصری هویتی که مورد قبول و انتظار جامعه ایرانی است، و ایرانیان آن را در تشیع و نیز حکومت خاندان‌های ایرانی نظیر طاهریان جست‌وجو می‌کنند (اشپولر، ج ۱، ۱۳۸۶: ۱۰۳).

مدل نظری تلفیقی تحقیق و شکل‌گیری هویت شیعی ایرانیان در دوره عباسیان

سقوط بنی‌امیه در سال ۱۳۲ هجری، و روی کار آمدن دولت بنی‌عباس، و این که ایرانیان در شکل گرفتن این دولت نقش داشتند (مفتخری، ۱۳۹۰: ۱۰۷)، یک بار دیگر به وضوح نقش کارگزاری کنشگران ایرانی را در فرایند ساخت‌یابی و شکل دادن به دولت عباسیان نشان می‌دهد، و ویژگی کارگزار ایرانی در ساخت جدید ایجاد شده دیده می‌شود. در بررسی دوره حکومت عباسیان نیز می‌توان از نظریه تلفیقی تحقیق در نشان دادن چگونگی شکل‌گیری و تغییرات هویتی ایرانیان و تشکیل هویت دینی شیعی آنان بهره جست. ایرانیت در پیروزی سلسله عباسیان و در اجرای نظم تازه‌ای که جانشین سازمان عربی اموی شده بود سهم قاطعی داشت، اما عباسیان پس از رسیدن به حکومت به ریاکاری و جفا در حق شرکای ایرانی خود متوسل شدند و با خدعه، ابومسلم را به قتل رساندند و به تبعیض در حق ایرانیان ادامه دادند. این رفتار خود منجر به واکنش ایرانیان و ادامه مبارزه با سلطه عربی که این بار به دست عباسیان اعمال می‌شد، منجر شد (مفتخری، ۱۳۹۰: ۱۱۷). و جنبش‌های اجتماعی و فرهنگی متعددی تحت عناوین متنوع از جمله قیام‌های بومسلمیه و جنبش‌های شعوبیان پدید آمد، که همگی به دنبال احیای نقش و هویت ایرانیان در ساخت حکومت بودند، و این بار گروهی از ایرانیان

هویت دینی شیعی را پذیرفته بودند و در پی ایجاد جایگاه شیعه ایرانی در حکومت بر کشور خویش بودند. در بررسی رفتارهای ایرانیان در مواجهه با حکومت عباسیان، نظریه تلفیقی تحقیق کاربرد دارد و کنش هدفمند ایرانیان را در فرایند ساخت یابی یافتن نقشی در قدرت و حاکمیت از طریق هویت پایداری ایرانیان شیعی نشان می‌دهد. رویدادهای بسیاری در دوران حکومت عباسی نشان دهنده کنش کارگزارانه ایرانیان در فرایند ساخت یابی و کنش متعاملانه برای شکل دادن به هویت کنشگر، طی فرایندی است که به ساخت نیز منتهی می‌شود. در به‌کارگیری نظریه تلفیقی تحقیق در بیان فرایند شکل‌گیری هویت دینی شیعی و زبانی فارسی ایرانیان در دوره عباسیان، سه رویداد را بررسی می‌کنیم: جنبش شعوبیه، ولایت عهدی امام رضا و وزارت خاندان برمکیان در دوران حکومت عباسی.

جنبش شعوبیه یک جنبش فرهنگی است که در پی احیای هویت ایرانیان و فرهنگ آنان تلاش می‌کند. این جنبش اصول اسلام را به‌عنوان عناصر دینی هویت ایرانیان پذیرفته و از جایگاه ایرانی مسلمان در پی نقش و جایگاه ایرانیان در ساخت حکومت عباسی است (شریعتی، ۱۳۶۱: ۱۶۷). در این جنبش نقش کنشگر ایرانی مسلمان به‌عنوان کارگزاری که در پی مشارکت اجتماعی در ساخت اجتماع و حکومت از موضعی برابر با حاکمان عرب را می‌بینیم که از طریق نظام کنش و اعمال اجتماعی تلاش می‌کند تا با سلطه تحمیلی عباسیان مبارزه کند و جایگاه ایرانی مسلمان را در ساختار حکومت عباسی بیابد، ساختاری که به بیان گیدنز بیرون از کنشگر نیست؛ بلکه در خاطرات و اعمال اجتماعی وجود دارد و وادارنده و توانمندساز است.

ولایت عهدی امام رضا نیز از نمونه‌های دستیابی شیعیان و ایرانیان طرفدار خاندان امامت به بالاترین سطوح حکومت در ساخت حکومت عباسیان است (اشپولر، ج ۱، ۱۳۸۶: ۹۶) در این رویداد نیز نقش کنشگر ایرانی شیعه و توانمندی و قدرت او در متقاعد کردن حاکمان عباسی برای پذیرفتن خواست ایرانیان مسلمان شیعی در دستیابی به ساخت حکومت است که از طریق کنش کارگزار ایرانی در فرایند مبارزه با حاکمیت عباسیان و پایداری در برابر تحمیلات آنان حاصل می‌شود و عناصر اساسی نظریه تلفیقی تحقیق در این فرایند قابل بازشناسی است.

وزارت برمکیان در دربار عباسیان مثالی از تلاش کارگزارانه کنشگران ایرانی در فرایند ساخت یابی است. خاندان‌های اصیل ایرانی در حکومت عباسیان به سمت‌های بالا در اداره کشور دست یافتند (اشپولر، ج ۱، ۱۳۸۶: ۴۱۸) و به احیا و القا فرهنگ ایرانی در حکومت

عباسی پرداختند. برمکیان و بسیاری از ایرانیان دیگر آماده هر نوع جدّ و جهدی در راه فرهنگ ایرانی در دربار خلفا که به‌طور روز افزونی از فرهنگ شرقی ایرانی متأثر می‌شد، بودند و از طریق کنش هدفمند در پی ایجاد جایگاهی برای ایرانیان در ساخت حکومتی دوره‌ عباسی برای ایرانیان بودند. و آن‌گونه که گیدنز می‌گوید: دیالکتیک بین فعالیت‌ها و شرایط است که در زمان و مکان رخ می‌دهد (گیدنز، ۱۳۹۲: ۳۵). ساختاریابی هم میانجی و هم پیامد عملکردهایی است که همین خواص را به گونه‌ای واکنشی سازمان می‌دهد.

بحث مربوط به فرضیه: فرضیه تحقیق این ادعا را مطرح می‌کند که هویت پایداری شکل دهنده فرایند هویت ملی و دینی ایرانیان در دو سده نخست هجری است و یافته‌های تحقیق نیز نشان داد که این فرضیه می‌تواند قابل اثبات باشد. رفتار گروهی از ایرانیان نسبت به انتخاب خوانش شیعی از دین اسلام و طی یک فرایند زمانی طولانی با نظریه تلفیقی این تحقیق قابل بیان است، در واقع پایداری در برابر تحمیلات و خوانش نژادپرستانه و سلطه‌گرانه اعراب اموی و عباسی از اسلام است. که به شکل خوانش خاص حاکمان عرب از اسلام و در بسیاری از موارد با اجبار به ایرانیان تحمیل می‌شد (و بخش‌هایی از ایرانیان به علل مختلف سیاسی اقتصادی، اجتماعی و یا عقیدتی آن را می‌پذیرفتند) (فرای، ۱۳۸۶: ۳۸۶). این پایداری در برابر خوانش تحمیلی، به جست‌وجو، یافتن و پذیرش، خوانشی دیگر و در برابر خوانش حاکم و در مخالفت با حکومت انجام شد. رفتار سلطه‌گران عرب اموی و تا حدودی عباسی، با ایرانیان در قرون نخست هجری سبب شد ایرانیان در جست‌وجو، ایجاد و اولویت‌بندی تفاسیر و منابع معنایی و خوانش‌های متفاوتی که از اسلام در قرون نخست هجری عرضه می‌شد، به پی‌جویی و حفظ و ارتقا هویت دینی و ایرانی خویش پردازند. منابع و اولویت‌های معنایی، و تفاسیر مورد قبول ایرانیان از اسلام، بر مبنای معانی و اصولی متفاوت و یا متضاد با تفسیر حاکمان عرب اموی از اسلام است، و هویتی که از تلاش در پی‌جویی هویت ایرانی شیعی حاصل می‌شود، از بستر هویت پایداری می‌گذرد و به بار می‌نشیند.

بنابراین خوانش شیعی از اسلام که بخشی از ایرانیان آن را پذیرفتند، در برابر تحمیلات و تحقیرهای حاکمان عرب انجام شد (شریعتی، ۱۳۶۱: ۱۹۴) و یک فرایند هویتی محسوب و هویت برحق شیعی به این شکل وارد هویت دینی بخشی از ایرانیان و جایگزین هویت دینی زرتشتی می‌شود که این فرایند آگاهانه بامیل و با اشتیاق ایرانیان انجام می‌گیرد. ایرانیان برای کسب این هویت شیعی، که آنها را از اعراب حاکم متمایز می‌ساخت چند قرن مبارزه کردند.

خاندان امویان در طول حکومت ۹۱ ساله خود بر ایران، توفیق چندانی در تغییر فرهنگ ایرانیان، مانند ملل تحت سلطه دیگر، و بر مبنای خوانش و برداشت خود از اسلام و فرهنگ عربیت، نداشتند (اشپولر، ج ۱، ۱۳۸۶: ۵۵). پایداری ایرانیان در برابر این تحمیلات و انتخاب خوانش برحق شیعی اسلام و نیز فرهنگ غنی ایرانیان و تسلط ایرانیان بر امور اداره کشور، اعراب حاکم را مجبور می‌کند تا از ایرانیان در اداره امور کشور استفاده کنند. ایرانیان اما از تحقیر و سلطه اعراب ناراضی هستند و به مبارزه با حاکمان عرب به اشکال گوناگون ادامه می‌دهند (اسلامی‌ندوشن، ۱۳۷۷: ۵۰) و در نهایت در همکاری با عباسیان موفق به مغلوب کردن امویان می‌شوند. اما جایگزینی عباسیان مراد ایرانیان را برآورده نکرد و این مبارزه هویتی به تشکیل حکومت طاهریان در خراسان انجامید، تا ایرانیان توانستند به بخشی از اهداف خود که بازیابی هویت و فرهنگ ایرانی که حالا با قبول اسلام بر حق شیعی و زبان فارسی میانه، ارتقاء هویتی یافته بود، و نیز تشکیل حکومتی ایرانی و اداره جامعه ایرانیان توسط خوشان بود برسند (مجتهدزاده، ۱۳۸۷: ۲۱). در ضمن این مبارزه فرهنگی، تغییراتی در رفتار دینی مردم ایران پدید آمد و بخشی از ایرانیان ضمن پذیرش اسلام شیعی در طول مبارزات دو بیست ساله با اعراب اموی و عباسی، عناصر راستین و اصیل اسلام را انتخاب کردند و بدین ترتیب خوانش برحق خاندان رسول‌الله (ص) و اهل بیت را از دین جدید پذیرفتند، و به راه برحق تشیع وارد شدند؛ زیرا خوانش شیعی اسلام به روح و جان و آرمان‌های ایرانیان بسیار نزدیک بود (مطهری، ۱۳۹۲: ۱۲۱). برابری، حریت و آزادگی که از مهم‌ترین اصول انسانی دین اسلام به‌شمار می‌رود، خواست قلبی و آرزوی توده ایرانیانی بود که تحت حکومت طبقاتی ساسانیان از بسیاری از حقوق انسانی خود مانند تحصیل علم یا پیشه محروم مانده بودند (کریستینسن، ۱۳۹۰: ۲۹۸). پس به این ترتیب بخشی از ایرانیان باایمان که به دنبال ایمانی راستین بودند، پس از تضعیف آئین زرتشتی و دریافت پیام برابری و محبت دین جدید اسلام را با توجه به حقانیت و طریقت شیعی پذیرفتند و شعیه در طی فرایندی که چندین سده به طول انجامید و از طریق کارگزاری فعال، کنش هدفدار و جنبش‌های متعدد و پایداری بر ضد اعمال و اندیشه‌ها و تحقیر و توهین‌های اعراب حاکم به بخشی از هویت دینی و فرهنگی ایرانیان تبدیل شد. هویتی شیعی ایرانیان در پی جهد و تلاش و مبارزات بسیار، و پایداری در برابر تحمیل فرهنگ و خوانش اعراب از اسلام، و در بستر هویت پایداری بوجود می‌آید، و با پیروی از خاندان برحق امامت، و نفی سلطه اعراب شکل می‌گیرد.

نتیجه گیری

- عناصر سازنده هویت ایرانیان از جمله دین و زبان با ورود اسلام به ایران با تغییرات عمیقی روبرو شد، که به تغییرات هویتی ایرانیان منتهی شد، و گروهی از ایرانیان را به مسلمان شیعی با زبان فارسی میانه در قرن سوم هجری تبدیل کرد.

- تغییرات دینی زبانی ایرانیان، عمدتاً با اجبار حاکمان عرب صورت نگرفته است. بلکه براساس انتخابی هوشیارانه و آگاهانه و با تعمد انجام شده است.

- براساس مدل نظری این تحقیق، تغییرات هویتی ایرانیان در دو قرن نخست هجری طی فرایندی که کاستلز آن را هویت مقاومت نامیده ایجاد شده است. مدل تلفیقی، تحقیق فرایند تغییرات هویت ایرانیان را این گونه تفسیر می کند که ایرانیان براساس نفی مفاهیم و خوانش تحمیلی حاکمان عرب از اسلام، و به کارگیری این مفاهیم و بازگونه کردن تفسیر حاکمان و خلق مفاهیمی جدید که به تمایز و هویت بخشی به جامعه ایران که تحت سلطه اعراب هستند می پردازند، و این فرایند هویتی شیعی برای ایرانیان پدید می آورد.

- براساس مدل نظری این تحقیق، ایرانیان در شکل دادن به هویت تاریخی فرهنگی، دینی و زبانی خود در دو قرن نخست هجری کنشگرانی هدفدار و نیت مند بوده اند که طی جنبش های اجتماعی و فرهنگی ضد عرب متعددی که برپا می دارند، به عنوان کارگزارانی که در پی ایفای نقش خویش در اداره اجتماع و ساخت جامعه و حکومت هستند، در فرایند ساخت یابی شرکت می کنند. و در نهایت به ساختی شکل می دهند که در آن ایرانیان با هویت ایرانی مسلمان شیعه، بر ساخت حکومت ایران دست می یابد.

یادداشت ها

۱- اگر چه بعضی از مورخین رسمیت و فراگیر شدن شیعه در ایران را به دوره صفویه نسبت می دهند، اما واقعیت های تاریخی گواه آن است که بخشی از جامعه ایرانی از روزهای نخستین که آغوش خود را بر پیام های حیات بخش اسلام گشود، به روایت و خوانش اسلام ناب توجه داشته است و در قرابت تاریخی نیز نشان داده که از خوانش مدعیان اموی و عباسی و هم کیشان آنها از اسلام فاصله دارد. بر همین اساس در گذر تاریخ و با انتخابی هوشمندانه مذهب حقه جعفری را به عنوان مذهب رسمی خود می پذیرد.

۲- در این دوره کشور ایران به لحاظ مرزهای جغرافیایی و سیاسی بخشی از قلمرو خلافت شرقی محسوب می شد، اما به لحاظ ملی و فرهنگی گروه کثیری از ایرانیان خود را ایرانی می دانستند و حاضر به پذیرش حاکمیت اعراب نبودند.

۳- عباسیان نیز همچون امویان خصوصیات اعراب را داشتند، اما در این مقطع به عنوان متحدی استراتژیک برای سرنگونی امویان از سوی ایرانیان انتخاب شدند. این امر خود نشان دهنده کارگزاران هدفمند ایرانیان است.

منابع کتاب‌ها

- آزادارمکی، تقی (۱۳۹۲): *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ج ۷، تهران: سروش.
- احمدی، حمید (۱۳۸۳): *هویت و قومیت در ایران*، در *هویت در ایران*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳ ص ۱۶۶.
- ----- (۱۳۹۰): *بنیادهای هویت ملی ایرانی*، ج ۲، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی.
- ----- (۱۳۹۱): *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*، ج ۹، تهران: نی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۶ الف): *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه جواد فلاطوری، ج ۱، چ ۷، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ----- (۱۳۸۶ ب): *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم میراحمدی، ج ۲، چ ۵، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۹۱): *مشکله هویتی ایرانیان امروز*، چ ۵، تهران: نی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۹۲): *دو قرن سکوت*، چ ۲۵، تهران: سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین و زرین کوب، روزبه (۱۳۹۰): *تاریخ سیاسی ساسانیان*، ج ۷، تهران: سمت.
- شریعتی، علی (۱۳۶۱): *بازشناسی هویت ایرانی اسلامی*، چ ۱، تهران: الهام.
- طباطبائی، محمدبن‌علی (۱۳۸۹): *تاریخ فخری*، ترجمه محمدوحید گلپایگانی، چ ۵، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۹): *عصر اطلاعات*، ترجمه حسن چاوشیان، ج ۲، چ ۶، تهران: طرح نو.
- کولایی، الهه (۱۳۸۳): *سیر هویت ملی در ایران*، در *هویت در ایران*، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- گیدنزو، آنتونی (۱۳۷۱): *جامعه‌شناسی پیش در آمدی انتقادی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- ----- (۱۳۹۲): *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷): *دموکراسی و هویت ایرانی*، چ ۲، تهران: کویر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۲): *خدمات متقابل اسلام و ایران*، چ ۴۸، تهران: صدرا.
- مفتخری، حسین؛ زمانی، حسین (۱۳۹۰): *تاریخ ایران از ورود مسلمانان تا پایان طاهریان*، چ ۶، تهران: سمت.
- ممتحن، حسینعلی (۱۳۸۵): *نهضت شعوبیه*، چ ۳، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

مقالات

- اسلامی‌ن‌دوشین، محمدعلی (۱۳۷۷): «هویت ایرانی در دوران بعد از اسلام»، *اطلاعات سیاسی اقتصادی*، ۱۳۷۷، ش ۱۲۹-۱۳۰، صص ۵۰-۵۵.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۷): «جغرافیای سیاسی جنبش‌های ایرانیان، اطلاعات سیاسی اقتصادی»، ۱۳۷۸، ش ۲۲۵-۲۲۶، صص ۲۰-۳۷.
- Ashraf, Ahmad (1993); *The crises of national and ethnic identities in contemporary Iran*, Iranian studies, Vol 26, No, 1/2 (Winter- Spring 1993), PP 159-164.
- Friy, Rechard.N (1993); *Iranian identity in ancient time*, Iranian studies, Vol 26, No, 1/2 (Winter- Spring 1993), PP 143-146.
- Hornby (2000); *Oxford advanced learners dictionary of current English*, oxford university press.
- Yarshater, Ehsan (1993); *Persian identity in historical perspective*, Iranian studies, Vol 26, No, 1/2 (Winter- Spring 1993), PP 141-143.